

## گزارشی از برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی از سوی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، ۲۵-۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳

مهندس علی قربانی

دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه مازندران - ساری

در هفته آخر اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ همزمان با ایام میلاد حضرت ختمی مرتبت (ص) و امام جعفر صادق (ع) به همت گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان و در ادامه سمینارها و کارگاههای آموزشی که هر ساله در راستای ارتقاء و بهبود کیفی سطوح دانش نظری و عملی دانشجویان دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترای تاریخ از سوی گروه تاریخ این دانشکده برگزار می‌گردد، سمینار و کارگاه آموزشی دو روزه‌ای درباره تاریخ شفاهی برگزار گردید که با استقبال اساتید و دانشجویان علاقمند روبه‌رو شد. در این کارگاه آموزشی محققان، پژوهشگران و اساتیدی از سازمانها و مؤسسات مختلف تحقیقات تاریخی حضور داشتند و با ارائه مقالات و ایراد سخنرانی به بحث و بررسی درباره تاریخ شفاهی پرداختند. این نخستین کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی است که در سطح مراکز علمی و دانشگاهی ایران برگزار شده است و هدف آن نیز فراهم ساختن بسترهای مناسب برای آشنایی با مفهوم تاریخ شفاهی و ضرورت، اهمیت، جایگاه و نقش آن در تاریخنگاری معاصر و آشنایی با راهکارها، شیوه‌ها و ابزار آن و تحولات رخ داده در تکنیکها و فنون آن باتوجه به پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک و پیدایش لوازم و تجهیزات جدید برای ضبط و ثبت گفته‌ها و شنیده‌ها و خاطرات اشخاص در قالبهای صوتی و تصویری به مدد مصاحبه و... است.

در جریان این کارگاه آموزشی که طی دو نوبت صبح و عصر پنج‌شنبه و جمعه ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت در سالن آمفی تئاتر گروه تاریخ برگزار شد، در مجموع بیش از ۳۰ تن از اساتید، مربیان، کارشناسان تاریخ، محققان و پژوهشگران، دانشجویان دوره دکتری و فوق‌لیسانس و دیگر علاقمندان از مراکز علمی و دانشگاهی و مؤسسات تحقیقات

تاریخی مختلف هرکدام با ارائه مقالات، یا ایراد سخنرانی، یا شرکت در مباحثات علمی و گفت‌وگوهای مختلف حضور و مشارکت فعالی داشتند.

جلسات صبح و عصر کارگاه به ریاست آقای دکتر لقمان دهقان نیری - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان که از اساتید تاریخ می‌باشند و با حضور و مشارکت و نقدها و نظرات عالمانه خود به قدر و ارزش و پربارتر شدن جلسات افزودند - و دیگر اساتید محترم گروه تاریخ این دانشگاه آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر دهقان‌نژاد، استاد مهدی مهرعلیزاده و دکتر فریدون اللهیاری به نحوی شایسته و وزین اداره و برگزار گردید.

برنامه سخنرانیها رأس ساعت ۸/۳۰ صبح پنج‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ۸۳ با تلاوت قرآن کریم شروع شد و پس از آن خیر مقدم و افتتاح جلسات با سخنان مدیر گروه تاریخ دانشگاه اصفهان آقای دکتر کجباف و متعاقب آن اعلام و معرفی برنامه‌ها صورت گرفت، در اینجا به‌طور اجمال به خلاصه‌ای از سخنرانیهای ایراد شده اشاره خواهیم کرد.



دکتر مرتضی نورانی استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، نخستین سخنران کارگاه آموزشی، در سخنرانی خود تحت عنوان «فصول اساسی تاریخ شفاهی» با تأکید بر فلسفه تاریخ شفاهی به محورهای پنج‌گانه بحث خود به شرح زیر پرداختند:

(۱) ضرورتها، (۲) تمایزات، (۳) دوره‌های تاریخ شفاهی، (۴) برخی اصول و قواعد تاریخنگاری شفاهی، (۵) ارزیابی تاریخنگاری شفاهی در ایران. ایشان ضمن اشاره به دو مفهوم عمده «سنت شفاهی» و «تاریخ شفاهی» و بر شمردن ضرورت‌های وجودی و کارکردها و نیاز مورخان و تاریخنگاران به آشنایی با این دو حوزه مهم و نیز تبیین و برشمردن تمایزها و تفاوت‌های میان این دو حوزه، بر این نکته تأکید داشتند که در سنت شفاهی با یک بار مفهومی اساسی سروکار داریم که واجد معنای تاریخی خاص برای خود است و آن اسطوره است. از آنجا که اسطوره در پیوند با تجربه جمعی انسانها قرار دارد، لذا از این منظر تفاوت عمده میان این دو حوزه آن است که سنت شفاهی در واقع انتقال تجربه جمعی تاریخی نسلهاست در قالب اعمال و کاربست‌های برجسته و چشمگیر اسطوره‌ای (قهرمانان و سوژه‌های اساطیری) تا اشکال فعالیتها و کارهای روزمره مردم عادی. در حالی که تاریخ شفاهی انتقال تجربه فردی اشخاص است و تریبونی است

برای کسانی که امکان دسترسی به ابزار و موقعیتها یا بسترهای لازم جهت بیان و انتقال خاطرات خود را دارند. به همین دلیل توده‌های عوام یا مردم عادی که دسترسی به تریبونی جهت انتقال مفاهیم و خاطرات و یادمانده‌های خود ندارند به «شایعه» (rumor) روی می‌آورند.

دکتر نورائی بر سه وجه عمده کارکرد تاریخ تأکید می‌ورزد: الف) تاریخ به منزله راهنمای عمل اجتماعی از طریق انتقال مفاهیم، مضامین و رویدادهای گذشته به حال؛ همان کارویژه یا فانکسیونی که به طور سنتی و در افواه عوام در قالب احکام گزاره‌ای «تاریخ، آینه عبرت» یا «گذشته چراغ راه آینده» ارائه می‌شود، ب) تاریخ به منزله نهادی برای آموزش، انتقال و اشاعهٔ مدنیت و ج) تاریخ به منزله نهادی برای سازمان‌دهی و سامان‌دهی امور سیاست، جامعه، فرهنگ و اقتصاد در حال و آینده. به عقیدهٔ وی از منظر فوق هیچ تفاوتی بین کارکرد تاریخ و کارکرد تاریخ شفاهی وجود ندارد، اما تاریخ شفاهی به عنوان منبعی اصلی و مکمل برای تاریخ عمل می‌کند. کار مورخ شفاهی یافتن حلقه‌ها و جهانهای گم شده در عرصه‌های مختلف تاریخ است. در این حلقه‌های مفقوده و عوالم گمشده در حقیقت زنجیره‌های به هم پیوسته با منفرد و گسسته‌ای از آمال و آرزوها، اهداف، دغدغه‌ها، نیات، رفتار و ... وجود دارند که در اکثر موارد در اسناد رسمی داخل نمی‌گردند؛ بنابراین گوشه‌هایی از تاریخ ناگفته و پنهان را تشکیل می‌دهند. با این توصیف کار مورخ شفاهی به ویژه در عصر حاضر کشف، بازآفرینی، بازیابی و بازسازی وقایع گذشته است: مورخ شفاهی همانند مورخ عام در پی یافتن واقعه یا رویدادی معین و شرح و تبیین آن است؛ ولی علاوه بر آن در پی یافتن مسائل پیرامونی، حاشیه‌ای، ظاهراً کم‌اهمیت و نمودهای رماتیک و هاله‌ای اطراف یک واقعه نظیر رویاها، تخیلات، احساسها و همین‌طور نوع برداشتهایی است که از یک واقعه به عمل آمده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که دکتر مرتضی دهقان‌نژاد از دیگر اساتید و محققان شرکت‌کننده در کارگاه آموزشی به درستی بر آن تأکید ورزیده است، «تاریخ شفاهی به سراغ چیزها یا صحبتها و اظهارات غیرقابل گفتن و غیرقابل بازگویی می‌رود».

سخنران در ادامهٔ گفتار خود به این مسئله اشاره نمود که نسل جدید مورخان شفاهی عمده‌تاً تحت تأثیر سه جریان زیر بوده‌اند: الف) جریان مشهور به «چپ جدید» (Ne Left) که معرف و مروج گرایش موسوم به «تاریخ از پایین» (history from below) بود، ب) جنبش حقوق مدنی (Civil Rights Movement)، ج) جریان فمینیسم در

راستای آشکارسازی تجربیات گروه‌های به حاشیه رانده شده به ویژه زنان، کارگران، رنگین پوستان و دیگر جریانها و جنبشهای اجتماعی پیرامونی و حاشیه‌ای شده. به هر حال مسئله اصلی و وجودی تاریخ شفاهی صرفاً بازسازی واقعه یا رخدادی خاص نیست، بلکه بازیابی و بازسازی احساسات، هیجانات و قیل و قالهای حول و حوش وقایع و جریانهای اجتماعی است که در هیچ سند رسمی نمی‌توان از آنها اثری یافت. به تعبیر الساندرو پرتلی (A. Portelli) استاد کرسی ادبیات دانشگاه رُم «اولین چیزی که تاریخ شفاهی را متمایز می‌سازد این است که تاریخ شفاهی پیش از آنکه درباره واقعه (event) خبر دهد درباره مفاهیم یا برداشتها (concepts) و معانی (meanings) آن سخن می‌گوید.» و این نه تنها از ارزش تاریخ شفاهی نمی‌کاهد بلکه مبین یکی از کارویژه‌های اصلی آن است، زیرا مصاحبه معمولاً وقایع گمنام و ناشناخته و جنبه‌های مفقوده و مجهول وقایع را آشکار می‌سازد. اسناد شفاهی همواره بر حیطه‌های ناشناخته حیات روزمره طبقات غیرمسلط جامعه پرتوافشانی می‌کنند. به بیان دیگر، تاریخ شفاهی نه تنها درباره اینکه مردم چه کردند، سخن دارد؛ بلکه درباره اینکه آنها چه می‌خواستند بکنند، درباره منشأ باورها و اعتقادات آنان برای [توجیه] اعمالشان، و نحوه تفکر فعلی آنان درباره اقداماتشان نیز به ما خبر می‌دهد. در این صورت مردم تخلیه تاریخی می‌شوند و در حقیقت این یکی از شیوه‌های خاطره‌درمانی جمعی یک جامعه است که به مدد گذشته نگاری و تاریخ به برخی التیامهای روحی و فرهنگی دست می‌یازد.

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر نورانی در دومین سخنرانی خود (عصر جمعه) تحت عنوان «کارکردهای اساسی تاریخ شفاهی» به بحث درباره محورهای زیر پرداخت: الف) تمرکززدایی در تاریخنگاری، ب) ایجاد فرصت برای سایرین، ج) انبوه‌سازی اطلاعات، د) آزادسازی. در این راستا وی هفت کارکردی برای تاریخ شفاهی به شرح زیر برشمرد:

۱. عدم اصالت منابع شفاهی به تنهایی، منابع شفاهی همواره در کنار منابع کتبی کاربرد دارند.
۲. مصاحبه فعال می‌تواند حدسیات، و عناصر پنهان شده در پس لایه‌های مختلف را آشکار سازد.
۳. مصاحبه فعال می‌تواند به آشکار ساختن نکات حائز اهمیت و نیات مندرج در

اسناد کتبی کمک کند.

۴. مصاحبه فعال می‌تواند بیانگر آمال، آرزوها و دغدغه‌های نهفته در پس‌امور مسلم و فاکتها باشد.

۵. مصاحبه فعال می‌تواند به آشکارسازی وقایع و حوادث گم شده و کشف حلقه‌های مفقوده کمک نماید.

۶. جایگاه منابع شفاهی در فرایند تعمیم‌بخشی و در تعمیم خلأهایی است که مورخ می‌تواند از آنها استفاده نماید.

۷. منابع شفاهی و تاریخ شفاهی می‌توانند همچون قابله (ماما) به عمل سزارین واقعه کمک کنند.

علاوه بر این وی به پاره‌ای از ایرادات و انتقادهایی که از دیدگاه مورخان سنتی به تاریخ شفاهی وارد می‌گردد پاسخ داد: ایراد به ماهیت (سرشت) اسناد تاریخ شفاهی، عدم دسترسی به اسناد تاریخ شفاهی، مکانیسم تولید تاریخ شفاهی (محل و جای مصاحبه، شیوه‌ها، ابزار...)، بازاری و عامیانه شدن مطالب تاریخ شفاهی. در ادامه این بحث نیز به چهار نکته در فلسفه تاریخ شفاهی به عنوان کارویژه‌ها یا رسالت‌های تاریخ شفاهی اشاره نمود: الف) تمرکززدایی در تاریخ و خارج کردن تولید سند و مدرک از حیطه انحصار دولت، ب) ایجاد فرصت‌های برابر برای حضور هرچه وسیع‌تر گروه‌ها، اقشار و جریان‌های حاشیه‌ای مانند زنان، کارگران، سربازان و ... جهت مشارکت در تاریخ، ج) تولید انبوه اطلاعات، د) آزادسازی تاریخ به طوری که حضور گفتمانها و بازیگران مختلف در هر لحظه از گفتمان تاریخی میسر باشد.

سخنران بعدی دکتر حسینعلی نوذری از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در نخستین سخنرانی خود تحت عنوان «تاریخ شفاهی: تعاریف، مبانی نظری و ماهیت بین رشته‌ای» به سه سرفصل با محور اصلی پرداختند: ۱) تاریخ شفاهی چیست؟ (تعاریف)، ۲) مبانی نظری تاریخ شفاهی (رویکردها)، ۳) ماهیت بین رشته‌ای: کارکردهای اصول و مبانی نظری در حیطه عمل. ایشان در بخشی از صحبت‌های خود به این نکته اشاره کردند که برخلاف تصورات و پنداشتهای غیر علمی و نادرست رایج، تاریخ شفاهی به منزله یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین روشهای تاریخنگاری بوده و نقشی بس تعیین کننده در

افزایش فهم و درک انسانها از وقایع و حوادث گذشته و درک ماهیت و معنای زمان و سرشت کارکردها و ساختارهای تاریخ ایفا کرده است. تاریخنگاری شفاهی طی سالهای متمادی به ویژه در خلال قرن بیستم به یمن پیشرفتهای تکنولوژیک این امکان را به مورخان داده است تا بتوانند با مراجعه به شاهدان عینی زنده و از طریق ضبط صدا و تصویر آنان، گام مهمی در جهت بسط و توسعه تاریخ مستند بردارند. علی‌رغم تلاشها و فعالیتهای فراوانی که در این راستا به عمل آمده است، همچنان پاره‌ای مناقشات بر سر تعریف، اصول و مبانی نظری و ماهیت (چیستی) مطالب و مواد و مصالح موجود در این رشته به چشم می‌خورد: اساساً تاریخ شفاهی چیست؟ آیا صرف ضبط و ثبت گفته‌های اشخاص مثلاً به کمک یک ضبط صوت یا یک دوربین فیلم‌برداری به معنای اقدام به تاریخ شفاهی است؟ یا اینکه تاریخ شفاهی واجد اصول، موازین و مبانی نظری معینی برای خود است؟ آیا معیارها و ملاکهای سنجش و تشخیص و ارزیابی مشخص و تعریف‌شده‌ای برای کار (اقدام به) تاریخ شفاهی و تمیز آن از چیزی که تاریخ شفاهی نیست وجود دارد؟

دکتر نوذری در تعریف تاریخ شفاهی اظهار داشت این اصطلاح یا تعبیر بیانگر نوع جدیدی از تاریخ نیست. این تعبیر به شرح و توصیف منبع خاصی از اطلاعات درباره گذشته می‌پردازد که با منابع اسنادی متعارف مورد استفاده مورخان تفاوت دارد. استفاده مورخان از تاریخ شفاهی در عصر جدید نتیجه استفاده آنان از شیوه‌ها و فنون مصاحبه‌گری است که در میان جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان و حتی ژورنالیستها و اصحاب مطبوعات رواج و کاربرد داشته است. هدف اصلی تاریخ شفاهی بسط و گسترش دانش تاریخی در حوزه‌هایی است که شواهد و مدارک مستند (اسنادی) نادر و یک طرف (یکجانبه) است یا اساساً موجود نیست. مفهوم تاریخ شفاهی گرچه در حال حاضر به راحتی در گفتار روزمره جا باز کرده و حتی افراد عادی و فاقد دانش و بینش و شناخت تاریخی نیز آن را به کار می‌بندند، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. معنایی که بطور معمول از آن افاده می‌شود عبارت است از «گواهی دادن یا یادآوری شفاهی»، ثبت و ضبط خاطرات شخصی - روی نوارکاست یا ویدئو و دیگر ابزار. در اروپا تاریخ شفاهی در بدو امر به تحقیق و بررسی در بخشهای کم‌سوادتر (با تحصیلات و سواد کمتر) جامعه - که تا پیش از این موضوع نگارش تاریخی نبودند - انجامید. منابع شفاهی همچنین برای برخی از حوزه‌های مطالعات و تحقیقات تاریخی، مثلاً درباره محرومان و

تهیدستان - می‌تواند منبع مهم و در دسترس باشد. تاریخ شفاهی به عنوان منبعی برای تاریخنگاری، طبیعتاً صرفاً برای مطالعه ادواری قابل استفاده است که در محدوده حافظه یا خاطرات زنده قرار می‌گیرند.

دامنه شمول و کاربرد و حوزه‌های دربرگیری تاریخ شفاهی بسیار وسیع، متنوع و گسترده است: مصاحبه‌ها یا یادآوری خاطرات گذشته، قصه‌ها و گفته‌های عامیانه، ترانه‌ها و تصنیفها و آوازهای محلی و عامیانه، شوخیها، مَثَلها، امثال و حکم، لطیفه، چیستان، سنتها، آداب و شعائر، و رسوم که به صورت گفتاری یا نوشتاری ضبط و ثبت می‌شوند. اما تاریخ شفاهی پدیده‌ای خلق‌الساعه یا معاصر نیست. به‌زعم سخنران، اقدام امپراتور سلسله ژو (چین) در سال ۳۰۰۰ ق.م برای ثبت گفته‌های مردم جهت استفاده مورخان، یا مصاحبه‌های توسیدید با دست‌اندرکاران جنگهای پلویونزی از جمله نخستین اقداماتی است که در راستای تاریخ شفاهی صورت گرفته‌اند. در سال ۱۷۷۳ ساموئل جانسون ادیب و شاعر به تشویق و حمایت از «اقدام به تاریخ شفاهی» برمی‌خیزد. در ۱۸۷۰ هیوبرت هاو بنکرافت به تدوین تاریخ ۷ جلدی کالیفرنیا از طریق اعزام دانش‌آموزان و دانشجویان برای جمع‌آوری نظرات و دیدگاهها و خاطرات مردم اقدام می‌کند.

نکته دیگری که دکتر نوذری در این جلسه به آن پرداخت ضرورت تمایز بین سنت شفاهی و تاریخ شفاهی بود: سنت شفاهی را می‌توان برآوردها یا ارزیابی‌هایی دانست که از نظر موضوع و محتوا می‌توانند تاریخی باشند و می‌توانند تاریخی نباشند و لذا نباید آنها را الزاماً به عنوان تاریخ شفاهی دانست. البته سنت شفاهی نیز همانند تاریخ شفاهی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. سنت شفاهی را می‌توان عام بر تاریخ شفاهی دانست، به عبارت دیگر تاریخ شفاهی نوعی سنت شفاهی است ولی سنت شفاهی لزوماً به تاریخ محدود و منحصر نمی‌گردد. سه ویژگی عمده می‌توان برای سنتهای شفاهی برشمرد:

(۱) آنها هم به گذشته و هم به حال گواهی می‌دهند، یعنی به گذشته و حالی که در آن نقل می‌شوند. مجموعه‌ای از سنتهای شفاهی دست به دست هم داده و «خاطره جمعی» یک قوم یا جماعت را به وجود می‌آورند و فرهنگها نیز عمدتاً از طریق سنت شفاهی و رفتارهای محرکه سنتی به باز تولید خود می‌پردازد.

(۲) سنت شفاهی تشکیل شده است از انبوهی از شهادتها، یادآوریها، گواهیها،

شواهد و مدارک لفظی و بیانی. هر سنت مایل است به زنجیره کوچکی از وقایع یا تنها یک موقعیت (واقعه) واحد بپردازد.

۳) سنتهای شفاهی در قالب همه انواع هنرهای شفاهی بیان و ادا می‌شوند: از دعا و نیایش، آواها و سروده‌ها و ترانه‌ها گرفته تا اظهار نظرات رسمی، شعر، تبارشناسی، داستان، روایت، نقل اخبار و احادیث، یا حماسه‌سرایی و نقلی سرگذشت قهرمانان تاریخی و اسطوره‌ای. این قبیل داده‌ها به منزله تعبیر فرهنگی به خوبی می‌توانند مورد استفاده دانشمندان اجتماعی، مردم‌شناسان، مورخان، زبان‌شناسان و متقدان ادبی قرار بگیرند.

\* \* \*

دکتر نوذری در دومین سخنرانی خود (عصر روز جمعه ۲۵ اردیبهشت) تحت عنوان «تاریخ شفاهی: کاربردهای تجربی، اعتمادپذیری و کاربردهای تحقیقاتی» حول سه محور زیر به بحث و بررسی درباره تاریخ شفاهی پرداخت: الف) میزان اعتماد و اعتبار اسناد شفاهی، ب) چگونگی افزایش قابلیت اطمینان در اسناد شفاهی، ج) چگونگی بهره‌گیری از مواد شفاهی. به عقیده وی کار مورخان شفاهی عبارت است از حفظ و نگهداشت خاطرات و یادمانده‌های سیاستمداران و نیروهای سیاسی و اجتماعی مخالف نظم حاکم و مستقر (یعنی نیروهای اصطلاحاً موسوم به اپوزیسیون)؛ مقامات رسمی و زمامداران اسبق و حال؛ دست‌اندرکاران و مسئولان و کارورزان حوزه‌های مختلف فعالیتها و نهادها و گرایشها و جریانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ مردمان بومی یک منطقه و مهاجران یا بیگانگان مقیم در آن منطقه؛ هنرمندان و داستان‌پردازان و قصه‌نویسان؛ شهروندان کشوری و لشکری و دیگر موارد عدیده و عواملی که به نوعی با یک پدیده یا فاکت یا واقعه اصطلاحاً تاریخی سروکار داشته و یا دارند؛ به عبارت عام‌تر تمامی سوژه‌ها، عوامل و کارگزاران انسانی صرف‌نظر از هرگونه تمایزها و تبعیضهای قومی، نژادی، زبانی، جنسیتی و طبقاتی. اما چگونه و با چه ابزاری باید به این مهم دست یازید؟ شیوه‌ها و سازوکارهایی که باید به خدمت گرفته شوند کدامند؟ کاربردها، اعمال و فعالیتهای تجربی و عینی که به مدد آنها باید به کار تاریخ شفاهی اقدام نمود کدامند؟ در این راستا پرسشهای متعددی را از خلال آثار و منابع متعدد خارجی درباره تاریخ شفاهی طرح و به بحث درباره آنها پرداخت. دیگر سرفصلها



و عناوین مهم در سخنرانی وی به شرح زیر بود: آیا اساساً تاریخ شفاهی مقوله‌ای قابل اعتماد و منبعی موثق و معتبر به شمار می‌آید؟ میزان و درجهٔ صحت، اعتبار و بی‌شائبه بودن یا عاری از غرض و تعصب بودن تا چه اندازه در کاربست تاریخ شفاهی دخیل است؟ مورخان شفاهی معاصر چگونه می‌توانند درخصوص انسانها و تجربیات موجود در پیرامون خود جانب عدالت و انصاف را رعایت نمایند؟ مهم‌تر اینکه چگونه می‌توانند دربارهٔ اعتمادپذیری (قابلیت اطمینان، و معتبر و موثق بودن) مواد و مطالبی که از زبان و بیان اشخاص مختلف گردآوری می‌کنند تضمین بدهند؟ وانگهی چگونه می‌توانند تضمین بدهند که مطالب مذکور به درد آیندگان و به کار تحقیقات و پژوهشهای آتی خواهند خورد؟ آیا اساساً می‌توان چنین تضمینهایی داد؟! و بالاخره این پرسش که محققان، مورخان، رهبران مجامع مختلف، سیاست‌گذاران، رهبران گروهها و بیشمار افراد دیگری که ارزش و اهمیت مطالب گفتاری و شفاهی را درک کرده و به آن اذعان دارند چگونه از این مواد و مطالب استفاده خواهند کرد؟

در این راستا وی ضمن برشمردن موضوعات و مطالبی که در تاریخ شفاهی باید مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرند، اهم وظایف و رسالتهای عمده یک «پروژه علمی - دانشگاهی تاریخ شفاهی» را در چند سرفصل برشمردند که به آنها اشاره خواهیم کرد. دو نکتهٔ مهم در سخنرانی دکتر نوذری بیش از سایر نکات خود را جلوه‌گر ساخت و مورد توجه و تصدیق حاضران قرار گرفت: نخست تأکید وی بر «ماهیت بین رشته‌ای تاریخ شفاهی»، اینکه تاریخ شفاهی مستقل و بی‌نیاز از سایر رشته‌های علوم و شاخه‌های دانش نیست بلکه بسط و تکامل هرچه بیشتر آن در گرو بهره‌مندی و ارتباط و تعامل آن با سایر رشته‌هاست. اما این امر خود مستلزم یک شرط اساسی دیگر است که مضمون دومین نکته‌ای بود که وی بر آن انگشت گزارده بود یعنی ضرورت توجه جدی و حتمی از سوی محافل علمی و دانشگاهی به ویژه وزارت علوم و آموزش عالی به تاریخ شفاهی به عنوان یک «رشتهٔ دانشگاهی» و نه صرفاً یک درس دانشگاهی. تنها در صورت برخورد به تاریخ شفاهی به عنوان یک رشتهٔ تحصیلی تخصصی دانشگاهی است که می‌توان انتظار داشت تا ماهیت بین رشته‌ای آن مورد لحاظ و توجه جدی قرار بگیرد. بنابراین ضروری و لازم است که تاریخ شفاهی اولاً به صورت جدی در چندین واحد درسی در دوره‌های لیسانس و فوق‌لیسانس در رشتهٔ تاریخ تدریس شود و در دورهٔ دکترا نیز به صورت یک گرایش مستقل درآید تا دانشجویان و علاقه‌مندان به این حوزه

بتوانند با جدیت، پشتکار و امید بیشتر به تحصیل در این رشته و فعالیت در آن بپردازند. تنها از این طریق است که جلوی خیل عظیمی از آنچه که بی‌قاعده و غیرعلمی به نام تاریخ شفاهی ارائه می‌شود، گرفته خواهد شد.

رئوس مهم عناوین و موضوعاتی که وی در سخنان خود به آنها اشاره کرد به شرح زیر است: (۱) مقدمات، تعاریف، اصول و مبانی، نظریه‌ها، قواعد، راهکارها، شیوه‌ها، الگوها و مفاهیم در تاریخ شفاهی، (۲) نحوه انجام و هدایت امر مصاحبه (آمادگی، شروع و هدایت، نتیجه‌گیری و خاتمه دادن به روند مصاحبه)، (۳) استفاده از تاریخ شفاهی در تحقیق و نوشتن (شواهد شفاهی، چاپ و انتشار)، (۴) استفاده از ضبط صوت، نوار ویدیویی در تاریخ شفاهی، (۵) نگهداری و حفظ تاریخ شفاهی در بایگانیها و کتابخانه‌ها، (۶) آموزش تاریخ شفاهی (در مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها)، (۷) ارائه و عرضه تاریخ شفاهی (تاریخ جماعت یا گروه، مصاحبه‌های خانوادگی، کاربردهای درمانی تاریخ شفاهی، نمایشگاههای موزه، رادیو و تاریخ شفاهی، تاریخ شفاهی در تئاتر و تلویزیون و سینما، کامپیوتر و تاریخ شفاهی). در ادامه سخنرانی به شرح و معرفی اصول، مبانی و معیارهای تاریخ شفاهی که در مرامنامه و اساسنامه انجمن تاریخ شفاهی ایالات متحده آمده است، پرداخت: از جمله سه دسته از مسئولیتهای اساسی که باید در جریان هرگونه کار تاریخ شفاهی مورد لحاظ قرار بگیرند: الف) مسئولیت در قبال مصاحبه‌شوندگان، ب) مسئولیت در قبال جامعه، افکار عمومی و حرفه تاریخ، ج) مسئولیت نهادهای حامی (متکفل) و آرشویی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\*\*\*

دکتر مرتضی دهقان‌نژاد استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان در سخنرانی خود تحت عنوان «لمپنها و تاریخ شفاهی» به سه محور اساسی زیر پرداخت: الف) اقشار ساکت در تاریخ چه گروههایی هستند؟، ب) میزان اهمیت و جایگاه اسناد شفاهی اقشار ساکت، ج) تحلیل پاره‌ای از آگاهیها و مشارکتهای اجتماعی لمپنها. به اعتقاد وی تاریخ معمولاً زمانی معتبر و موثق قلمداد می‌شود که مبتنی بر اسناد و مدارکی می‌بود که غالباً در آرشیوهای دولتی و یا منابع مربوط به دولت نگهداری می‌شد. زیرا در طول تاریخ و یا حداقل پس از تشکیل دولت، تلاش گردیده تا واقعیت آن چیزی تلقی گردد که توسط منابع رسمی در اختیار مردم قرار می‌گرفت. لذا برای نظر دیگر گروههای اجتماعی

ارزشی قائل نبودند و اگر هم به آن اشاره می‌شد، آنها را در حد شایعاتی تلقی می‌کردند که از ذهنهای بیمار تراوش کرده و فاقد هرگونه اهمیتی بود. ولی امروزه با کمتر شدن فشار حاکمیتها و پررنگ‌تر شدن ارزش توده مردم به عنوان قاعده هرم جامعه، نظر این گروههای «غیررسمی» نیز حائز اهمیت تلقی می‌گردد. از جمله گروههای غیررسمی ولی نه‌آدینه شده در عرصه جامعه ایران که از دیرباز وجود داشته ولی به مرور زمان شکل آن عوض گردیده، عیارها، جاهلها و لمپنها می‌باشند که در بسیاری از تحولات اجتماعی نقش ایفا کرده و سپس بی‌سر و صدا، از همان راهی که آمده بودند بازگشته‌اند، بدون اینکه در منابع رسمی تاریخ به آنها پرداخته شده باشد. شاید برخی از آنها بعداً اسمشان در میان توده‌ها بر سر زبانها افتاده و به اسطوره‌های مردمی تبدیل شوند. به نظر می‌رسد که با خارج شدن از چهارچوبهای تحقیقات رسمی و ثبت و مصاحبه فعال، می‌توان آرمانها و مهم‌تر از همه میزان شناخت و آگاهی آنان و همین‌طور چگونگی و دلایل حضور آنان در صحنه تاریخ را جست‌وجو کرد. اینکه چرا آنان در مقاطع زمانی معینی وارد صحنه می‌شوند، آشوب به پا می‌کنند و سپس ناپدید می‌شوند، به گونه‌ای که گویا هرگز نبوده‌اند؟ آیا مردم آنان را فراموش می‌کنند و یا دولت‌ها با استفاده از ابزارهای رسمی، به پاک کردن ردپای آنان می‌پردازند؟ چرا در گذشته که در خدمت مردم بودند، عیار و جوانمرد نامیده می‌شدند ولی وقتی به خدمت اربابان قدرت در می‌آمدند و در مقابل مردم می‌ایستادند، دیگر جامعه آنها را بر نمی‌تابید و آنان را لمپن، جاهل، الواط و ... خطاب می‌کرد؟ تنها راه‌حل رفتن سراغ این گروهها می‌باشد. شاید به قول مولانا «گنج‌ها» را باید در ویرانه‌ها جست‌وجو کرد. زیرا آنان بعضاً به هزار دلیل از جمله، کم‌سواد، دسترسی نداشتن به امکانات ارتباط جمعی و ... قادر به اطلاع‌رسانی نیستند.

به نظر دکتر دهقان‌نژاد پیش از اختراع خط، کلمات مهم‌ترین وسیله و ابزار برای انتقال و بیان مفاهیم و یادمانده‌ها نزد بسیاری از اقوام و مردمان محسوب می‌شدند. این اقوام تاریخ خود را اساساً حفظ (ازبر) می‌کردند یعنی در قالب سپردن کلمات و عبارات به حافظه خود. در فرایند تکامل تاریخی، کلمات و مفاهیم و یادمانده‌ها در اعداد امور مقدس قرار گرفتند؛ همچنان که مقوله‌ای به نام کلام مقدس نیز که در کنار آنها سربرآورده بود به تدریج سیادت و هژمونی خود را بر دیگر گونه‌های کلامی گستراند: کلام مقدس به خط مقدس، به قانون یا ناموس (nomos) مقدس، به لوح مقدس و

بالاخره به کتاب مقدس تبدیل گردید. و بدین ترتیب خط و کتابت گام مهمی برای ثبت و ضبط وقایع و رویدادها به شمار آمد. براین اساس بایگانیها یا آرشیوها برای حفظ و نگهداری این موارد به وجود آمد. آنچه که در این میان قابل توجه و در خور تأمل به نظر می‌رسد این است که این ثبت و ضبطها و نگاه‌داشته‌ها در آرشیوها و مخزنها که عمدتاً مکتوب نیز هستند، صدای پای نخبگان، برگزیدگان، اساطیر، قهرمانان، پادشاهان، جنگاوران، دیران، منشیان، درباریان و دیگر اربابان قدرت است و تنها راوی و نقال سرگذشت آنهاست. پس دیگر اقشار و طبقات موجود در سلسله مراتب هرم اجتماعی چگونه؟ وازدگان، مطرودین، سرکوب شدگان، زنان، سیاهان، بردگان، سربازان، نجسها، روسپیان، لاتها، چاقوکشها، اعتصاب‌شکنان، ناهمنوایان، مغلوبین، و بالاخره لمپنها که هرگز صدایشان به گوش نرسیده و شنیده نشده است، آیا در تاریخ وجود نداشتند؟ آیا شنیده نشدن صدای آنان به معنای نبودن و غیبت یا عدم حضور آنان است؟

به اعتقاد سخنران لاتها و چاقوکشها که توسط گروههای فشار و نیروهای حاکم به صورت ابزار به خدمت گرفته می‌شوند؛ سربازان و نظامیان که در طول تاریخ گویی صرفاً برای کشتن و کشته شدن آفریده شده‌اند؛ روسپیان و روسپیگری که در بسیاری از جریانه‌ها تأثیر گذارند ولی به هیچ وجه صدای آنان به گوش نمی‌رسد؛ و در پیشاپیش همه اینها لمپنها که از طبقه خود (یعنی طبقه کارگر) بریده‌اند و در برابر منافع طبقاتی و علیه طبقه خود قرار می‌گیرند و به طبقه خود پشت کرده و سعی در هویت‌سازی و بازسازی گذشته و دست و پا کردن هویتی جدید برای خود دارند، جملگی به گروههای فراموش شده‌ای تعلق دارند که در هیچ‌یک از منابع تاریخنگاری از گذشته تاکنون یادی از آنان نشده و صدایی یا نشانه‌ای از آنان ثبت و ضبط نگشته است. و این تنها تاریخ شفاهی است که قادر به بیان اوضاع و احوال این اقشار و گروهها و لایه‌های اجتماعی است.

\* \* \*

دکتر اصغر منتظرالقائم استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان در گفتاری تحت عنوان «مراحل سنت شفاهی و تبدیل آن به تاریخ‌نگاری در اسلام» حول سه محور الف) مستندات سیره‌نویسان، ب) حدیث، ج) ارزیابی سنت شفاهی در اسلام در دوره‌های مختلف به بحث و بررسی درباره جایگاه تاریخ شفاهی در میان مسلمانان و نخستین تلاشهای آنان در این راستا پرداختند. ضبط و حفظ احادیث سیره و مغازی گام

مهمی بود در راستای درک و فهم و تفسیر قرآن؛ به همین خاطر مسلمین از همان صدر اسلام اهتمام و عنایت ویژه‌ای به این امر نشان دادند. در این میان تأکید قرآن بر اسوه قراردادن و الگوبرداری رفتار و کردار پیامبر سبب توجه اصحاب به ویژه امام علی (ع) و تابعین به زندگانی و شرح احوال آن نبی اکرم در دوران پیش از بعثت و پس از آن گردید.

ساختار سیره متشکل از احادیث و روایاتی بود در بخشها و ابواب مستقل از شرح مطالبی درباره آباء و اجداد پیامبر تا حوادث دوران بعثت و هجرت و رحلت آن حضرت براساس ذکر و استناد به سلسله اسناد که به صورت سنت شفاهی، روایی، نقلی، سینه به سینه و افواهی منتقل می‌شد؛ تا اینکه سرانجام از نیمه دوم قرن نخست هجری رساله‌ها و مکتوبات بسیاری در سیره به رشته تحریر درآمد مانند سیره عمره بن زبیر (متوفی ۹۲هـ) و سیره محمد بن مسلم بن شهاب زهبری (متوفی ۱۲۸هـ). روش (متد) کار سیره‌نویسان روش نقلی یا روایی [شفاهی] بود و مهم‌ترین منبع اولیه آنان نیز روایات و احادیث تاریخی بود؛ در این روش نقلی صرف آنان از هرگونه تحلیل پرهیز می‌کردند.

۳۶۱

به اعتقاد سخنران، علم‌الحديث و سنت شفاهی در فرایند تکامل تاریخی خود با پرسشها و مسائل گوناگونی مواجه بود از جمله مسئله جائز الخطا بودن و غیرقابل اعتماد بودن حافظه انسان، شرایط راوی، احادیث و روایات صحیح و ضعیف، شرایط حدیث و نظایر آن. به همین خاطر علمای حدیث دستورالعملهایی برای علم‌الحديث وضع کردند که رئوس کلی و عمده پاره‌ای از آنها به شرح زیر است: (۱) تقسیم‌بندی خبر، (۲) شرایط علم به خبر متواتر، (۳) شرایط حدیث، (۴) مراتب ارجحیت احادیث، (۵) شرایط راوی، (۶) شرایط حمل و نقل سنت شفاهی. و بدین ترتیب علم‌الحديث و سنت شفاهی به صورت یک علم مدون درآمد و صدها کتاب حدیث نزد شیعه و سنی نگاشته شد، به طوری که بعدها خود به صورت یکی از مهم‌ترین منابع تاریخنگاری در اسلام درآمد.

\* \* \*

دکتر محمدجواد صافیان استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان نیز در موضوعی تحت عنوان «گفتار یا نوشتار» از منظری بدیع و بحث‌انگیز حول سه محور به بررسی درباره جایگاه و نقش زبان گفتاری و رابطه آن با زبان نوشتاری پرداختند: الف) بررسی معنای اولویت زبان گفتار و پیش‌فرضهای آن، ب) بررسی معنای اولویت زبان نوشتار و

پیش فرضهای آن وج) بررسی تقابل اندیشه پست مدرن یا اندیشه پساامتافیزیک در این باره. گفتار و نوشتار دو وجه یا دو نحو از ظهور زبان است. زبان گاهی از طریق آوا و صوت صورت تحقق به خود می پذیرد و گاهی با نوشتن. پرسش این است که کدام یک از این دو وجه بر دیگری اولویت دارد؟ البته هیچ کس متکر آن نیست که زبان در ابتدا صورت گفتاری داشته و نوشتن پس از آن اختراع شده است، به همین دلیل تاریخ زبان نوشتاری در مقایسه با تاریخ گفتار (که مبدأ آن بر ما مجهول است) بسیار کوتاه تر است. منظور از اولویت همانا اصالت و تقدم و برتری ذاتی است و نه تقدم و تأخر زمانی. پرسش به عبارتی دیگر این است که آیا حقیقت زبان در زبان گفتار ظهور کامل تری دارد یا در زبان نوشتار؟ یا کدام یک از این دو نمایانگر اصیل تر زبان اند؟ قبول هر یک از این دو شق مبتنی بر پیش فرضهای متافیزیکی خاصی است و البته لوازم متفاوتی را نیز دربر دارد.

پیش فرض اصلی بحث دکتر صافیان مبتنی بر نقد و بررسی «متافیزیک حضور» است که توسط نیچه، هایدگر، دریدا و فلاسفه شالوده شکن پسامدرن و پساساختارگرا صورت گرفته است. وی در این راستا با اشاره به جایگاه لوگوستریسم (Logocentrism) یا «واژه محوری» در عرصه متافیزیک و تفکر مغرب زمین از دوران افلاطون تا عصر حاضر و سیطره همه جانبه آن و برتری یافتن حضور بر غیاب و بسط و تسری نوعی تقابل دوگانه (binary opposition) به این نکته تصریح دارد که فرایند مذکور سبب طرد یک وجه یا یک عنصر این تقابل دوگانه از مرکز و به حاشیه راندن شدن آن می انجامد. در عوض عنصر یا وجه دیگر جنبه مسلط و مسیطر و غالب خود را در مرکز حفظ می کند و حضور مستمر و همیشگی و همه جانبه در مرکز را تنها و تنها از آن خودش می سازد. اما این حضور، حضور عنصر گفتار، نطق، واژه، سخن و کلام است؛ زبان نوشتار یا مکتوب جایی در مرکز ندارد، حضوری ندارد و غایب است، در حاشیه قرار دارد. این به حاشیه رانده شدن در واقع نوعی سرکوب شدن است. از منظر افلاطونی معنا تنها در گفتار حضور دارد. اما پرسش یا سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که خاستگاه یا منشأ معنا کجاست و چیست؟ معنای سخن وابسته به کیست، در کجا تولید می شود؟ آیا معنا در پس ذهن گوینده نهفته است؟ این در صورتی است که گوینده را یک عامل شناسا یا فاعل شناسنده به شمار آوریم. در حالی که زبان واجد ماهیت، سرشت و همین طور خاستگاه، کارکرد یا کارویژه (فانکسیون) جمعی و اجتماعی است. زبان به یک تعبیر حادثه ای است که در جریان گفت و گو خود را نشان می دهد، نه در احساس فردی که

می‌خواهید آن را بیان کند. لذا اجرای زبان مستلزم حضور حداقل دو گوینده یا دو طرف است زیرا عمل یا کنش زبان یک امر یا جریان تعاملی و متقابل است. در حالی که زبان نوشتار برخلاف گفتار مبتنی بر غیبت است. اصالت، اعتبار، موثوقیت و مشروعیت از آن غایبها، به حاشیه رانده شده‌ها، فاقد مرکزها (کسانی یا صداها و آواهایی که جایی در مرکز ندارند)، طرد شده‌ها، سرکوب و منکوب شده‌ها و بالاخره «غیرها» یا دیگران است. متن گفتاری در حضور مخاطب شکل می‌گیرد متهمی حضوری حاشیه‌ای؛ در جریان این حضور گوینده یا سخنران در مرکز قرار دارد، وجه غالب و مسلط را داراست، ولی مخاطب مستمع چشم و گوش بسته‌ای است که فاقد هرگونه اختیار و اقتدار است. در این متافیزیک حضور، گوینده با تحکم و آمریت و اقتدار تام و تمام گزاره‌ها و احکام و قضایای خود را به مخاطب (شنونده) دیکته می‌کند. اما در جریان متن نوشتاری با «متافیزیک تفاوت» سروکار داریم. درست است که نویسنده در غیبت مخاطب (خواننده) می‌نویسد، ولی به همین نسبت خواننده نیز در غیبت نویسنده، آن متن را می‌خواند و لذا بدون ترس از حضور همه‌جانبه و قاهره مؤلف و بدون ترس از نگاه نافذ وی به راحتی امکان و اجازه چون و چرا و به زیر سؤال بردن متن و مؤلف آن را دارد. این مطلب بیانگر این فرض است که هر سخن دارای معنای کاملاً مشخص و صریحی است و به راحتی می‌توان آنرا پذیرفت یا نفی کرد.

\* \* \*

آقای علیرضا کمری، از پژوهشگران مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، در سخنرانی خود به بررسی جایگاه یاد، حافظه و ذهن به عنوان زیربنای تاریخ شفاهی پرداخت و ضمن طرح یک پرسش کلیدی مبنی بر اینکه «آیا می‌توان تاریخ شفاهی را معارض تاریخ رسمی (کتبی) قرار داد؟» بحث نظری جالبی را پیگیری نمود. وی در پاسخ به این سؤال تأکید دارد که تاریخ شفاهی نه تنها معارض تاریخ رسمی (کتبی) نیست بلکه می‌تواند به موازات آن و همین‌طور به عنوان مکمل آن عمل نماید. اساس تاریخ شفاهی مبتنی بر خاطره است؛ یاد، که واحد یا هسته اصلی تاریخ شفاهی به‌شمار می‌رود، موضوع جای گرفته در ذهن است که هنوز به ظرف کلام راه نیافته است. خاطره از زمان وقوع تا وقتی در قالب کلام از زبان صادر شود مدت یا ظرف زمانی معینی را به خود اختصاص می‌دهد. لذا تا پیش از این موجودی سیال و بی‌شکل است. اما به محض آنکه در قالب

کلام بر زبان جاری گردد، از حالت بی‌شکلی و سیالیت خارج می‌شود و شکل یا قالب ظرف کلام را به خود می‌گیرد. بنابراین در جریان مصاحبه تاریخ شفاهی هرآنچه را که گوینده یا مصاحبه شونده ادا (بیان) نماید می‌توان بخشی از تاریخ شفاهی دانست. به اعتقاد سخنران، در جریان انجام تاریخ شفاهی باید با اتخاذ روش استقرایی و مراجعه به منابع و مطالب و موضوعات جامعه خودمان، سعی نمود تا از تأثیرپذیری از نظریات غیر اجتناب نمود. البته ایشان با اشاره به روند تکامل تاریخ شفاهی در غرب و تأکید بر اینکه در اروپا تاریخ شفاهی نتیجه و محصول دوران پس از فرهنگ اعتراف و یک پدیده متعلق به فرهنگ پسا-اعترافی (post-confessional culture) در اروپای بعد از رنسانس است، نتیجه می‌گیرد که ولی در ایران با توجه به فرهنگ اندرونی و فرهنگ بیرونی نمی‌توان انتظار تاریخ شفاهی را داشت. به همین خاطر، بیان بخشی از خاطرات در حقیقت برای عدم بیان بخش اعظم یا همه «ناگفتنیها» و «ضدخاطراتها» است.



آقای سعید فخرزاده، کارشناس تاریخ شفاهی حوزه هنری و دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ضمن سخنانی به بازشناسی و آسیب‌شناسی عملی تاریخ شفاهی پرداختند. ایشان با بیان تجربیات عملی حاصل از مصاحبه‌های متعددی که با نیروهای رزمنده داشتند به ویژگیها، اصول، قواعد، مبانی، راهکارها، شیوه‌ها، تکنیکها، اسلوب و دیگر شاخصه‌هایی اشاره کردند که در جریان مصاحبه‌های تاریخ شفاهی الزاماً بایستی از سوی مصاحبه‌کننده و همین‌طور مصاحبه شونده رعایت و به کار بسته شود از جمله مهم‌ترین این شاخصه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– آشنایی مصاحبه‌گر (و نیز مصاحبه شونده) با موضوع مورد بحث و موضوعات فرعی و حواشی مربوط به موضوع اصلی؛  
– برخورداری از ویژگیها و خصوصیات اخلاقی مناسب و در خور به منظور ایجاد حس اعتماد در طرف مقابل، از جمله قدرت و توانمندی لازم برای ایجاد رابطه حسنه و تفاهم‌آمیز؛

– تضمین امنیت مصاحبه‌شونده؛

– صبر و شکیبایی لازم برای گوش دادن و پیگیری مداوم قضیه؛

– توجه دقیق، ظریف و کامل مصاحبه شونده‌گان؛



— انجام مطالعه و تحقیق توسط مصاحبه‌کننده پیش از تماس با مصاحبه‌شونده؛  
— ایجاد فضا و مکان و زمان مناسب برای مصاحبه‌ها؛ زمان هر مصاحبه نباید حداکثر از یک ساعت تجاوز کند؛

— ابزار و لوازم کار در محل و در حین مصاحبه مانند میکروفون، ضبط صوت، دوربین و نظایر آن به گونه‌ای باشد که باعث برهم زدن تمرکز حواس مصاحبه‌شونده نگردد؛  
— مصاحبه حتی‌الامکان باید با سؤالات نسبتاً ساده و روان و پرداختن به سابقه زندگی و ایام نوجوانی و جوانی مصاحبه‌شونده و ذکر بیوگرافی (شرح حال) شخص آغاز شود.

آقای ابوالفضل حسن‌آبادی کارشناس ارشد مرکز اسناد و پژوهش آستان قدس رضوی طی گفتاری به بررسی مشکلات موجود در برابر مورخان شفاهی در ایران پرداختند و از جمله به موارد زیر اشاره کردند:

۱. عدم آموزش و تربیت تخصصی و حرفه‌ای لازم درخصوص چگونگی و نحوه انجام مصاحبه؛
۲. بحث پیاده‌سازی نوار تابع هیچ‌گونه فاعده یا اصول یا استانداردهای معینی نیست؛
۳. مشکلات مربوط به نمایه‌سازی و اطلاع‌رسانی (کمترین امکانات تبلیغاتی، تولید و تهیه پوسترها و بروشورهای تبلیغاتی وجود ندارد)؛
۴. عدم ارتباط بین مراکز فعال در تاریخ شفاهی در ایران و عدم شناخت و آگاهی مراکز از نحوه و نوع فعالیت و کار همدیگر؛
۵. وابستگی این نهادهای تاریخ شفاهی به دولت و قدرت حاکم؛
۶. عدم فعالیت درباره موضوعات تاریخ شفاهی از زوایا و منظرهای مختلف و جامع‌نگر.

\* \* \*

آقای رحیم نیکبخت کارشناس ارشد مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سخنان خود با تأکید بر نقش و جایگاه تاریخ شفاهی در تدوین تاریخنگاری انقلاب اسلامی به تشریح فعالیتها و عملکردهای مرکز اسناد انقلاب اسلامی از بدو تأسیس تاکنون پرداخت. وی اضافه کرد از سال ۱۳۷۶ نیز یک حوزه جدید به نام «معاونت تدوین اسناد، مدارک و خاطرات شفاهی» تأسیس شد که در راستای فعالیتها و برنامه‌های کلی مرکز قرار داشت. از جمله اقدامات آن تعریف یک رشته عناوین و موضوعاتی بود که راویان آنها در قید

حیات بودند. عناوین و موضوعهای متعددی در دستور کار تاریخ شفاهی این مرکز قرار گرفت مانند تاریخ شفاهی مساجد مختلف (هدایت، ارک...)، مدرسه حقانی، دهه فجر، تاریخ شفاهی گروه ابوذر، تاریخ شفاهی گروههای هفت‌گانه (فلق، منصورون...).

فعالیت‌های تاریخنگاری این مرکز اساساً در راستای تدوین و نگارش تاریخ منجمله تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی است.

در ساعت ۱۹/۳۰ عصر روز جمعه ۱۳۸۳/۲/۲۵ کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی با قرائت بیانیه پایانی به کار خود خاتمه داد. در این بیانیه با اشاره به وجود مراکز متعدد تاریخ شفاهی که در زمینه‌های مختلف و بعضاً به صورت موازی فعالیت می‌کنند اعلام شده است که «به منظور هماهنگ ساختن این قبیل فعالیتها و نظام‌مند کردن و تنویریه نمودن و تعیین ساختارهای فکری و نظری نهاد تاریخ شفاهی و انسجام بخشیدن به این نوع فعالیتها انجمن تاریخ شفاهی ایران تشکیل می‌گردد. لذا براین اساس بخشهای زیر به عنوان هیئت مؤسس انجمن تاریخ شفاهی ایران شروع فعالیت خود را از این کارگاه آغاز می‌کند.» اعضای هیئت مؤسس انجمن تاریخ شفاهی ایران شامل ۱۱ نهاد علمی - تحقیقاتی هستند از جمله گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، سازمان اسناد ملی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و ... انجمن هر شش ماه تشکیل جلسه خواهد داد. اولین نشست انجمن تاریخ شفاهی ایران در پاییز ۱۳۸۳ در دانشگاه اصفهان برگزار خواهد شد.